

گفتمان‌های دینی معاصر

عمادالدین باقی

اشاره:

مجموعه کتاب‌هایی که از این پس «نشر سرایی» با عنوان «کتاب‌های عمادالدین باقی» منتشر خواهد کرد دربرگیرنده مقالات، مصاحبه‌ها، پژوهش‌ها و نیز تجدید چاپ کتاب‌های منتشر شده توسط وی طی دو دهه اخیر است که به صورت منقح و در قالب یک مجموعه منتشر خواهد شد. برخی از این آثار روایت‌گر موضع‌گیری‌ها و تحلیل‌های نویسنده از واقعه دوم خردادماه ۱۳۷۶ به این سو می‌باشد و نوعی تاریخ‌نگاری جنبش اصلاحات دموکراتیک در ایران به شمار می‌رود.

نشر سرایی امیدوار است این تجربه را درباره دیگر نویسندگان و روشنفکران دینی و فعالان سیاسی تکرار کند.

ناشر

فهرست

۹
۱۳ دیباچه
 مقوله‌بندی گفتمان‌های دینی معاصر
 فصل اول: گفتمان‌های دینی عصر مشروطه
۲۵ - گفتمان‌های دینی عصر مشروطه
۷۳ - قانون و سکولاریزیشن
 فصل دوم: نسبت عقیده و انسان (ارتداد و حقوق بشر)
۷۹ - رابطه قدرت و ارزش از دیدگاه اسلام
۹۵ - دو پندار در ترازو
۱۴۱ - دین و خشونت
 فصل سوم: تحولات فکر دینی پس از انقلاب
۱۵۳ - سرگذشت یک فتوا (فقه و چالش‌های عصری)
۱۸۹ - تکمله‌ای بر قبض و بسط تئوریک شریعت
۲۰۰ - برائت از مشرکین از دیدگاه مصلحان
۲۳۹ - مباحله
۲۴۲ - سیر تحول فکر دینی
۲۵۸ - آیا رو به نوگرایی داریم
 فصل چهارم: حکومت دینی و دموکراسی (ولایت فقیه)
۲۶۵ تفکیک و تداخل کارکردها
۲۷۳ - باستان‌شناسی ولایت فقیه و چند انتقاد
۲۹۱ - حکومت دینی و دموکراسی
۳۱۸ - شهروندی و تطور ولایت فقیه در اندیشه بنیان‌گذاران
۳۲۶ - نظریه ولایت فقیه از منظر جامعه‌شناختی
۳۵۴ - خبرگان و رهبری
۳۸۶ - تاکتیک گام به گام برای حذف ولایت فقیه
۳۸۹ - نظریه کشف و تسری آن به سیاست
 پیوست‌ها:
۴۰۳ - پیوست ۱
۴۰۹ - نمایه

دیباچه:

باده در جوشش گدای جوش ماست

چرخ در گردش اسیر هوش ماست

شاید پیش از هر چیز یادآوری این سخن مقدم باشد که چه ضرورت و فایده‌ای در بازگفتن و بازجستن گفتمان‌ها وجود دارد. می‌دانیم که برجسته‌ترین تفاوت میان رخداد‌های طبیعی (چون زلزله، سیل، آتشفشان، صاعقه و مانند آنها) با رخداد‌های سیاسی و اجتماعی در این است که رخداد‌های طبیعت برخاسته از قصد، نیت، تدبیر، شعور و عاطفه نیستند اما جریان‌ات و تحولات سیاسی و اجتماعی خاستگاه فکری و عاطفی دارند، کنش‌های موجود زنده و ذی‌شعورند، از افکار و خیالات و احساسات ناشی می‌شوند و بر افکار و احساسات اثر می‌گذارند. همین نکته روشن و بدیهی است که اهمیت بررسی اندیشه‌ها و گفتمان‌ها را آشکارتر می‌سازد زیرا در حقیقت به یکی از مولفه‌ها و محرک‌های حوادث می‌پردازد. گفتمان‌های دینی در ایران معاصر، بخشی از سیر تحولات فکری، سیاسی و اجتماعی به‌شمار می‌آیند و نمی‌توان تاریخ را و جامعه‌شناسی را بدون آنها چنانکه باید شناخت و به ژرفای حوادث راه یافت.

اما آنچه در این کتاب آمده است قهراً کافی و وافی نیست و برگی است از کتابی بلند و در کنار آثار نویسندگان دیگر و به ویژه متونی که در دهه‌های اخیر آراء متفاوتی عرضه کرده‌اند، پازل اندیشه‌های معاصر را کامل‌تر خواهد کرد. به این نکته مهم نیز باید توجه داشت که رویدادهای

فکری معاصر در پیوند و تعامل و اثرگذاری بر همدیگر بوده‌اند. از اینکه بگذریم دلایل دیگری هم برای بیان اهمیت پرداختن به این موضوع وجود دارد. اگر مروری بر رسایل عصر جنبش مشروطیت ایران بيفکنیم، خواهیم دید، بسیاری از تفکرات و دیدگاه‌هایی که بیست سال پس از انقلاب اسلامی و در آغاز هزاره سوم با آن روبه‌رو بوده و چالش‌هایی که با آنها دست به‌گریبان شده‌ایم برخلاف این تصور که باید پس از انقلاب با دنیای اندیشگی نوینی روبه‌رو باشیم، نزاعی کهنه بوده و یکصد سال پیش در عصر جنبش مشروطیت ایران نیز مطرح بوده‌اند مانند نزاع بر سر دین و آزادی، مشروطه و مشروعه، پارلمان را غربی و غیر ضروری دانستن (با استناد به این که شریعت کافی است و نیاز به وضع قانون نیست)، قوه مقننه را شرک‌آلود خواندن و..

کتابی که پیش رو دارید دربرگیرنده آن دسته از مقالات نگارنده است که به موضوع گفت‌وگوها و برداشت‌های دینی معاصر مربوط می‌شوند و هم جنبه گزارشی و توصیفی دارند و هم باورداشت‌های او را در برهه‌های مختلف نشان می‌دهند. البته این مجموعه شامل همه مباحث نگارنده در باب موضوعات و مباحث دینی و فکری نیست و همراه با نوشته‌های دیگر من در این زمینه می‌تواند سیمای کامل‌تری از مقصود کتاب را برای خواننده ترسیم کند. کتاب اعدام و قصاص، دربردارنده بخشی از چالش‌های فکری در دو دهه پس از انقلاب پیرامون جدال بر سر مالیات، دولت، تعارض جمهوریت و سلطنت، ایران برای ایرانیان، مجازات، اعدام و قصاص، حقوق بشر، اهانت به مقدسات، قاعده تسلیط و... است که شباهت حیرت‌انگیزی میان این جدال‌ها با آنچه در رسایل مشروطیت آمده مشاهده می‌شود. در جلد دوم کتاب بررسی انقلاب ایران نیز به مناسبت تحلیل بستر فکری انقلاب ایران، بحث گسترده‌ای درباره جریانات فکری دهه‌های اخیر و چگونگی برآمدن و تکامل یافتن اندیشه‌ها و سنتز آنها در تولد انقلاب اسلامی انجام شده است که

می‌تواند مکمل این کتاب باشد. اندیشه‌های امام خمینی به عنوان بنیانگذار جمهور اسلامی و رهبر یکی از بزرگترین انقلابات قرن بیستم نیز حلقه‌ای از حلقات گفتمان‌های دینی معاصر است اما به دلیل این‌که مجموعه مقالاتی که درباره زندگی و افکار وی بوده‌اند در کتاب مستقلی به نام تجربه خمینی گرد آمده‌اند، این بخش از بحث را در آنجا باید پی گرفت. به صورت پراکنده نیز در سایر مجموعه‌ها، سخنانی آمده‌اند مانند مقاله «منطق قیاس، دام ابلیس و پوچ‌انگاری همگان» که به یک برداشت و نگاه دینی اشاره دارد اما به سبب وجه سیاسی‌تر آن در مجموعه مقالات سیاسی آمده است و یا برخی از مطالب مانند مقاله حقوق مشرکان به خاطر تناسب بیشتر در کتاب «حقوق مخالفان» آمده‌اند و آنچه درباره مسجد به عنوان یکی از نهادهای دینی مهم در جامعه ایرانی بوده‌اند در کتاب پرستشگاه در عهد سنت و تجدد - جامعه‌شناسی نهادهای دینی - جای گرفته‌اند. گفتارهای دیگری هم گرچه پیرامون اندیشه‌های دینی است اما چون مضمونی متفاوت از گزارش گفتمان‌ها دارند در آینده در رساله‌ای دیگر سامان خواهند گرفت.

ترتیب مقالات در این کتاب نه برحسب تاریخ نگارش که برحسب تناسب و ترتیب موضوعی قرار گرفته‌اند. هرچند تاریخ نگارش هر مقاله حاکی از جغرافیای خاصی در صحنه حوادث جامعه و ارتباط و تاثیر آن برنوشته است اما در اینجا معیار تنظیم کتاب نبوده است. به همین دلیل از آنجا که تقسیم‌بندی گفتمان‌های دینی معاصر و ترسیم نموداری از آنها، پایه و پیش‌درآمد هر بحثی است، مقاله‌ای را که در این خصوص از حیث تاریخ نگارش جزو آخرین بوده در آغاز کتاب نهاده و جزئی از مقدمه به‌شمار آورده‌ام. شاید مقاله را در مقدمه نشانیدن مرسوم نباشد اما اقتضا و فایده و ترتیب منطقی دادن به کار است که هنجار را می‌سازد و چگونگی را فرمان می‌دهد. ذکر تاریخ نوشته‌ها بیانگر نکته دیگری هم هست بدین معنی که حتی در مواردی که نگارنده عقاید خویش را ابراز داشته

امروز باید بدان به چشم یک گزارش نگرست نه عقیده‌ای که می‌خواهد اکنون از آن دفاع کند. به بیان دیگر برخی از مباحث این کتاب مانند آنچه در بخش حکومت دینی و دموکراسی آمده لزوماً واپسین باورهای نگارنده نیستند و گرچه گوینده‌اش از پاره‌ای نظرات پیشین عبور کرده اما به منظور بیان سیر تحول فکری و ایده‌هایی که در مقاطع گوناگون برای سازگاری و اصلاح برخی برداشت‌های دینی ارائه شده و نمایشگر چالش‌های فکری یک دوره می‌باشد در کتاب گنج‌انیده شده است.

لازم است در اینجا از دانشمند ارجمند آقای احمد قابل که با مطالعه دقیق متن حاضر نقطه نظرات اصلاحی خویش را بیان کردند سپاسگزاری کنم. البته ایشان نیز همچون نگارنده با پاره‌ای از دیدگاه‌های مطروحه موافق نبودند و به آنچه در سطور فوق بیان شد عنایت داشتند.

واپسین نکته اینکه آنچه داخل کروشه [] قرار گرفته و یا پاورقی‌هایی که با ستاره * مشخص شده‌اند، در متن اصلی و اولیه نبوده و به هنگام بازبینی این مجموعه، افزوده شده‌اند.

تعیین عیار این نوشتار را به ارباب معرفت و صاحب‌نظران می‌سپارم و به سخن شاعر:

دوستان عیب من بیدل حیران مکنید

گوهری دارم و صاحب‌نظری می‌جویم

عمادالدین باقی

زندان اوین (زیرزمین قرنطینه)

۲۷ اسفند ۱۳۸۰

مقوله‌بندی گفتمان‌های دینی معاصر

مقوله‌بندی و نمودارسازی، روشی است برای ساده کردن و درک آسان‌تر مفاهیم و مطالب و شیوه‌ای است برای تبدیل یک پدیده پهن‌آور، پیچیده، چندبعدی و درهم تنیده به یک ماکت کوچک قابل مشاهده و واریسی، اما هیچ مقوله‌بندی انحصاری را نمی‌توان مدعی بود. هرکس می‌تواند برای مطالعه پدیده‌ای از یک زاویه نظر کند و ماکت آن را بسازد. نکته کلیدی در این کار، تعیین شاخص و معیار واحد است. برای مثال، دانش‌آموزان یک کلاس را می‌توان به اعتبارهای گوناگون گروه‌بندی کرد. اگر به اعتبار ضریب هوشی گروه‌بندی شوند ممکن است افرادی با قد و وزن‌های بسیار متفاوت در یک گروه قرار گیرند زیرا سایر ویژگی‌ها مانند قد، نمره درس ریاضی یا انگلیسی، انضباط و وزن و غیره هیچ مداخلتی در این تقسیم‌بندی ندارند. اگر به اعتبار قد یا به اعتبار وزن گروه‌بندی شوند نیز ممکن است افرادی با مشخصات کاملاً متفاوت در زمینه‌های دیگر در یک گروه قرار گیرند. نمی‌توان شاخص ضریب هوشی را برگزید اما در گروه‌بندی افراد، شاخص‌های دیگر را دخالت داد زیرا در این صورت گروه‌بندی بی‌معنی می‌شود و ممکن است با دخالت دادن وزن در گروه افرادی که دارای ضریب هوشی ۹۰ هستند فردی با ضریب هوشی دیگر ولی به صرف هموزن بودن وارد گروه شود لذا دیگر نمی‌توان این گروه را با یک صفت تعریف کرد مگر آنکه مقوله‌بندی دو متغیری شود یعنی به اعتبار افرادی که دارای ضریب هوشی ۹۰ و وزن ۴۵ کیلو هستند جداسازی انجام گیرد که این روش افراد زیادی را که دارای یکی از این

دومشخصه هستند از گروه اخراج می‌کند و تعریف جامع و مانعی نخواهد بود.

بنابراین در مقوله‌بندی گفتمان‌های دینی نخست باید پرسید که معیار اصلی چیست؟ می‌توان با معیار «حکومتی» تقسیم کرد و گفت اسلام سلطنت‌خواه، اسلام جمهوری‌خواه، همچنین می‌توان با معیار «دموکراسی» دسته‌بندی کرد و گفت اسلام دموکراتیک، اسلام مرجعی یا ولایتی یا مردمسالاری و آمریت، یا با معیار روشنفکری می‌توان گفت اسلام سنتی، اسلام نوگرا. با هریک از این معیارها، گرایش‌های متناقضی در یک مقوله جمع می‌شوند زیرا صفات دیگر مدخلیتی در تعریف ندارند. برای مثال با معیار شریعت محوری، مشروطه‌طلبان و مشروعه‌خواهان دوگفتمان ستیزنده‌اند ولی هر دو شریعت محور بودند و در یک گروه قرار می‌گیرند.

در میان صاحب‌نظران به‌ندرت کسانی در پی ارائه مقوله‌بندی جامعی بوده‌اند. اگر بخواهیم به نحوی عمل کنیم که نمودار ما بتواند تمامی گرایش‌های فکری دینی در تاریخ معاصر را پوشش دهد، هیچیک از معیارهای پیش‌گفته تکافوی آنها را نمی‌کنند. به همین روی آنچه تاکنون انجام شده با دشواری‌هایی روبه‌رو بوده است. آقای علیرضا علوی تبار که ذهن خلاق در مدل‌سازی دارند از نادر صاحب‌نظرانی هستند که به این مهم اهتمام ورزیده‌اند. وی می‌گوید:

«در ایران معاصر می‌توان از وجود پنج گفتمان دینی سخن گفت. اگر بخواهیم این پنج گفتمان را با تاکید بر ابعاد نظری و سمت‌گیری اجتماعی نام‌گذاری کنیم می‌توانیم به این صورت برشماریم:

- ۱- گفتمان بنیادگرا - شریعت‌محور
- ۲- گفتمان مابعدالطبیعی - سنت‌گرا
- ۳- گفتمان عرفانی تصوف‌گرا
- ۴- گفتمان ایدئولوژیک رادیکال

۵- گفتمان معرفت‌شناختی مردم‌سالار
این پنج گفتمان را می‌توان از چند زاویه با یکدیگر مقایسه کرد و تمایز آنها را از هم با شناخت جایگاه عقل در شناخت دین، نگاه به روح و متن دین، مهمترین شاخص دینداری و دین‌باوری، توقع و انتظار از دین، تکثرگرایی دینی، مهمترین جهت‌گیری دین در جامعه، برخورد با حاکمیت غیردینی و برخورد با مدرنیته دریافت. آنچه امروز به نام اسلام سیاسی خوانده می‌شود به همه این گفتمان‌ها قابل اطلاق نیست»^۱
آخرین عبارت، سخن درستی است ولی گویا همین سخن درست منشاء نادرستی‌های دیگر گردیده است. اتخاذ معیار اسلام سیاسی مانند چند معیار دیگر (حکومتی، روشنفکری، نوع برخورد با دموکراسی یا مدرنیته و...) بر همه گفتمان‌ها قابل اطلاق نیست اما راه‌حل آن نیست که برای فراگیر شدن تعریف یا مقوله‌بندی خویش، تن به اتخاذ چند معیار بدهیم. این کار درست مانند این است که بگوییم می‌خواهیم دانش‌آموزان یک کلاس را در آن واحد با چند معیار گروه‌بندی کنیم و پرواضح است که چنین کاری عملی نبوده و مقوله‌بندی مغشوشی حاصل خواهد شد و بلکه مقوله‌بندی صورت نخواهد گرفت. در مدل ارائه شده آقای علوی تبار همزمان مجموعه‌ای از شاخص‌ها به کار رفته‌اند. اگر عنصر اصلی (شاخص) در مقوله‌بندی، مردم‌سالاری باشد نمی‌توان گفتمان بنیادگرای شریعت محور را در آن دخالت داد و اگر شاخص برگزیده ما نوع نگاه به دین یا انتظار از دین باشد، دسته سوم و پنجم را چگونه می‌توان در آن جای داد؟ در تقسیم‌بندی نگارنده که در سطور بعد تشریح می‌شود با این معیار، اسلام فرهنگ (سیاسی و سنتی) و اسلام ایدئولوژیک نیز علی‌رغم همه ستیزه‌هایشان یکجا قرار می‌گیرند چون هر دو معتقدند دین پاسخگوی همه نیازها در همه عصرها است.